

# Smart Governance: a New Approach in Realizing Effective Participation and Cooperation of Citizens

**Javad Madani**

Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili,  
Ardabil, Iran.

J.madani@uma.ac.ir

## **Abstract**

Governance is not a new concept and various theories and models have been proposed for a long time. This category has different types, and smart governance is one of the most important. Smart governance is an approach for citizen-oriented governments with capabilities such as human capital development, information and communication technology infrastructure, and active citizenship; it provides public participation, and technological, organizational and political innovation. The purpose of this research is to identify the components and indicators of smart governance in line with the effective participation and cooperation of citizens. This research is qualitative based on the nature of the data and the research method used in it is the focus group method. The data collection tools are semi-structured interviews that were collected from three focus groups with academic and executive participants related to the fields of governance, political science, public administration, and public participation. According to the findings of the research, 83 primary codes, 37 centralized codes, 17 systematic codes and 4 main categories were extracted, which are considered as the main components and indicators of smart governance in realizing the effective participation and cooperation of citizens. From the results of the present research, it is possible to point out the important features of smart governance, such as "futurism, innovativeness, and micro-centeredness" that governments can create the necessary background and platform for cooperation and participation of citizens by referring to such aspects.

**Keywords:** Governance, Smart Governance, Public Participation, Mixed Method.

# حکمرانی هوشمند: رویکردی نوین در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان

جواد معدنی

استادیار، گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.  
J.madani@uma.ac.ir

## چکیده

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست و از دیرباز تاکنون در رابطه با آن نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی مطرح شده است. این مقوله دارای انواع مختلفی است که حکمرانی هوشمند به عنوان یکی از مهم‌ترین آنهاست. حکمرانی هوشمند رویکردی است که برای حکومت‌های شهروندمحور دارای قابلیت‌هایی چون توسعه سرمایه انسانی، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و شهروندی فعال؛ مشارکت عمومی، و نوآوری فناورانه، سازمانی و سیاسی و... را فراهم می‌سازد. هدف پژوهش حاضر، شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در راستای مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان است. این پژوهش بر مبنای ماهیت داده‌ها، کیفی بوده و روش تحقیق مورد استفاده در آن، روش گروه کانونی است. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته هستند که از سه گروه کانونی با مشارکت کنندگان دانشگاهی و اجرایی مرتبط با رشته‌های حکمرانی، علوم سیاسی، مدیریت دولتی، مشارکت عمومی گردآوری شده‌اند. مطابق با یافته‌های تحقیق، ۸۳ کد اولیه، ۳۷ کد متمرکز، ۱۷ کد نظام‌مند و ۴ دسته اصلی استخراج شدند که به عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان تلقی می‌شوند. از نتایج تحقیق حاضر می‌توان به ویژگی‌های مهمی از جمله «آینده‌نگری، نوآورانه بودن و خردمحوری» حکمرانی هوشمند اشاره کرد که حکومت‌ها با عطف به چنین جنبه‌هایی می‌توانند زمینه و بستر لازم برای همکاری و مشارکت شهروندان را ایجاد نمایند.

**کلیدواژه‌ها:** حکمرانی، حکمرانی هوشمند، مشارکت عمومی، روش ترکیبی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰  
فصلنامه راهبرد، سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی ۱۰۴، پاییز ۱۴۰۱، صص ۴۰۷-۴۴۰

## مقدمه و بیان مسئله

مفهوم حکمرانی، مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به اندازه عمر تمدن بشری است. به‌طور کلی، فرض حکمرانی از زمانی پدید آمد که انسان‌ها آموختند چطور در جامعه از طریق فرایند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین معین و خط‌مشی‌ها در جهت یک زندگی هماهنگ و منظم در یک محیط خاص به حیات خود ادامه دهند (Ali, 2015). با پیشرفت مداوم علم و فناوری در کشورها، جوامع به تدریج وارد عصر جدید فرااطلاعات شده‌اند. دولت‌ها به‌عنوان نیروی اصلی در پیشبرد روند مدیریت و اجرا، نه تنها مسئولیت مهم ارتقای کیفیت زندگی مردم را بر عهده می‌گیرند، بلکه مسئولیت ارتقای توسعه جامعه را نیز به دوش می‌کشند (Liu & Qi, 2022). در مواجهه با روند شتابان رشد جوامع و تغییرات متعاقب، نوآوری‌هایی وجود دارند که به دولت‌ها اجازه می‌دهند تا بر رویکردهای سنتی غلبه کرده و برای حل مشکلات تجدیدنظر کنند و آنها را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای پایدار به حکمرانی بپردازند (Tomor; Przeybilovicz & Leleux, 2021). از این منظر، در دهه ۹۰، جنبشی به نام حکمرانی هوشمند مطرح شد که منشأ آن از مباحث حکمرانی خوب بود (Singh, 2009). از این نظر، جنبه‌هایی که شامل حکمرانی هوشمند می‌شوند نیز مطرح شدند که عبارت‌اند از: حکمرانی مشارکتی، توسعه سرمایه انسانی، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و شهروندان فعال؛ نوآوری فناورانه، سازمانی و سیاسی و... (Meijer & Bolívar, 2016; Nam & Pardo, 2011; Ojo, Dzhusupova, 2016 & Curry); بنابراین، بر اساس اصول حکمرانی خوب، حکمرانی هوشمند یک موضوع اساسی است که به فناوری‌ها محدود نمی‌شود، بلکه فرایند پیچیده تغییر نهادی است (Gil-García & Pardo, 2005; Joshi; Saxena & Godbole, 2016; Meijer & Bolívar, 2016; Viale Pereira; Cunha; Lampoltshammer; Parycek & Testa, 2017). حکمرانی هوشمند به مفاهیمی چون مشارکت عمومی، دولت الکترونیک، مشارکت الکترونیک<sup>۱</sup>، پلتفرم‌های جدید مدیریت خدمات عمومی و... وابسته است (Herdiyanti; Hapsari & Susanto, 2019). حکمرانی هوشمند، صرفاً به معنای پیشبرد امور با سیستم‌های فناوری اطلاعات و... نیست، بلکه مشارکت



گروه‌های اجتماعی، مشارکت فعال شهروندان، تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات با شیوه‌های نوین، سلامت و شفافیت اداری یکپارچه، ایجاد پایداری فرهنگی-اجتماعی در جامعه و... است (Lin; Zhang & Geertman, 2015). از طرفی نیز از منظر مردم سالاری و حکمرانی، بسیار مهم است که به طیف متنوعی از مردم (به‌ویژه گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای) اجازه داده شود تا در فرایند تصمیم‌گیری شرکت کنند و نماینده شوند (Hodgson, 2008). به همین سبب، ضروری است تا در پرتو حکمرانی هوشمند، مؤلفه مهم و اساسی مشارکت عمومی متجلی شود تا علاوه بر دولت، جامعه نیز از مزایای آن بهره‌مند گردد. از سوی دیگر، به دلیل اینکه مفاهیمی چون حکمرانی هوشمند و مشارکت عمومی در زمینه غربی<sup>۱</sup> توسعه یافته‌اند عمدتاً به فناوری‌های پیشرفته، چهارچوب‌ها، مدل‌ها و روش‌های حمایت از تصمیم‌گیری از نظر عملکرد حکمرانی و سیاست مربوط می‌شود (Lombardi; Giordano; Farouh & Yousef, 2012; Perera; Zaslavsky; Christen & Georgakopoulos, 2014). نیاز است هر کشوری مطابق با شرایط و زمینه‌های مختص به خود این مقوله را تدوین و پیاده‌سازی نماید. کشور ما نیز از این مقوله مستثنی نیست. جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی نیازمند توجه بیشتر به مفاهیم اساسی چون مشارکت عمومی است و بایستی با عطف به رسالت و ماهیت خویش، حکمرانی هوشمندانه و مدبرانه‌ای را به عمل آورد. پس ضرورت این مفهوم نیز برای کشور ما صدق می‌کند. شهروندان به‌عنوان رکن اصلی و اساسی هر جامعه‌ای هستند و در قالب و اقشار مختلفی به حاکمیت و سایر بخش‌ها کمک می‌کنند. نقش مشارکتی مردم در جامعه غیرقابل چشم‌پوشی است و نیازمند بهبود و ارتقا است. تأکید اکثر جوامع بر مشارکت عمومی در بستر مردمی‌سازی حکمرانی است که اغلب با حضور و مشارکت پُررنگ مردم و ارتباط و پیوند میان نهادهای مردمی و نهادهای حاکمیتی صورت می‌پذیرد. چراکه اکثر رویکردها و دیدگاه‌ها در جوامع، به‌صورت آبخاری یا بالا به‌پایین است. یعنی نهادهای حاکمیتی به‌عنوان طلایه‌دار و سکان‌دار امور باشند و اقشار جامعه تنها در بخشی از حوزه‌ها مشارکت داشته باشند؛ اما رویکردهای جدیدی در حکمرانی بر این باورند که بایستی مشارکت عامه در گرو تأکید و توجه نهادهای حاکمیتی صورت پذیرد و از رویکرد آبخاری به رویکرد شبکه‌ای یا تعاملی تبدیل شود. از یک‌سو، توجه به این نکته بسیار مهم و حیاتی است که ارتباط چندسویه‌ای میان حکمرانی و



مشارکت عمومی وجود دارد. در واقع بسیاری از اندیشمندان معتقدند که این دو مقوله لازم و ملزوم یکدیگرند؛ اما ملاحظه می‌شود که در اکثر تحقیقات، به صورت مجزا و یا جزیره‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین ضرورت دارد ضمن توجه توأمان به هر دو مفهوم مهم، زمینه یا بستر و عوامل موجد در آنها شناسایی و تبیین گردند. از سوی دیگر، اکثر تحقیقات، حکمرانی را به مثابه شکلی از حکومت و حکومت داری می‌دانند و به «ساختار» آن توجه می‌نمایند و کمتر تحقیقی این مقوله را در بستر مفاهیم مرتبط با مشارکت عمومی و مردمی‌سازی بررسی شده است. از همین رو، یک خلأ نظری واضحی ملاحظه می‌شود که نیازمند بررسی و تبیین می‌باشد. به همین منظور، هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در راستای مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان است که ضمن مرور مبانی نظری مرتبط در این حوزه، با استفاده از نظرات خبرگان امر به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر می‌پردازد.

## ۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

در ادامه به بررسی اهداف و سؤال‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

### ۲-۱. اهداف پژوهش

- ۱- شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان.
- ۲- تبیین نقش و وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان.

### ۲-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان شامل چه مواردی هستند؟
- ۲- نقش و وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان چیست؟

### ۳. پیشینه پژوهش

فهم اصطلاح «حکمرانی» برای درک مفهوم حکمرانی هوشمند بسیار مهم است. واژه



حکمرانی در زمینه‌های مختلفی استفاده می‌شود؛ اما به‌طور کلی به همه اشکال هماهنگی اجتماعی و الگوهای حکومت اشاره دارد (Bevir, 2012). طبق نظر کارینو<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، حکمرانی به‌جای «کنترل» مربوط به «مدیریت» است و دولتی توانمند است که چهارچوب قانونی و حقوقی و نظم سیاسی را فراهم کند که در آن بازار و جامعه مدنی می‌توانند به‌خوبی برنامه‌ریزی و عمل کنند (Hodder, 2009)؛ بنابراین، حکمرانی فرایند تعامل و تصمیم‌گیری میان ذی‌نفعان درگیر در یک موضوع جمعی است (Hufty, 2011). این فرایند می‌تواند در سطوح محلی یا بین‌المللی اتفاق بیفتد و بر حوزه‌های مختلف سیاسی و مقیاس‌های زمانی متعدد تأثیر بگذارد (Lange; Driessen; Sauer; Bornemann & Burger, 2013). اندیشمندان تعاریف متعددی در باب مفهوم حکمرانی ارائه کرده‌اند. بنا بر یک تفسیر واحد، حکمرانی بر فعالیت در حوزه سیاسی و به‌عنوان وظیفه مهم هر حکومت دلالت دارد. توجه داشته باشید که عبارات «حکومت آ» و «حکمرانی» یکسان نیستند و مترادف هم نمی‌باشند هرچند هر دو اهداف مشترکی دارند؛ اما «حکومت» آنجایی شکل می‌گیرد که عده‌ای به‌صورت قانونی و رسمی، اختیار و قدرت اجرای فعالیت‌ها را دارند، درمقابل؛ «حکمرانی» دلالت بر خلق و اجرای فعالیت‌ها از طریق اهداف مشترک شهروندان و سازمان‌ها دارد که ممکن است با قدرت و اختیار رسمی یا غیررسمی صورت پذیرد (Bingham, 2009; Rosenau, 2009). حکمرانی را به‌عنوان سیستمی از حکومت می‌دانند که بر نهادهای مسئول و کارا، اصول دموکراسی، فرایندهای انتخاباتی و ساختارهای حکومتی پاسخگو در جهت اطمینان یافتن از «روابط مشروع و باز» میان جامعه مدنی و دولت متمرکز است (Larson, 2012)؛ بنابراین می‌توان پنج حوزه مرتبط با حکمرانی را یافت که در جدول ۱ به آنها اشاره شده است (Ali, 2015).

1. Cariño  
2. Government

### جدول (۱): پنج حوزه مرتبط با حکمرانی

حوزه	دیدگاه
حکمرانی در فضای جهانی یا حکمرانی جهانی <sup>۱</sup>	با مسائل بیرونی خارج از حوزه دید حکومت با دیدگاه محدود سروکار دارد.
حکمرانی در فضای ملی <sup>۲</sup>	مانند فضای داخلی کشور که گاهی به‌عنوان حفاظت از حکومت تعبیر می‌شود که شامل چندین سطح می‌شود: ملی، استانی، بومی، شهری یا محلی. به هر صورت حکمرانی با سایر بازیگران از قبیل سازمان‌های جامعه مدنی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری مسائل عمومی ایفا می‌کنند، مرتبط است.
حکمرانی سازمانی یا حکمرانی در فضای سازمان <sup>۳</sup>	فعالیت‌های سازمان‌ها را که نسبت به رهنمودها مسئول هستند را مقایسه می‌کنند. برخی از آنها به‌صورت خصوصی اداره می‌شوند و مالکیت خصوصی دارند؛ مانند کسب‌وکارهای شرکتی و البته سایرین نیز ممکن است مالکیت دولتی داشته باشند مانند مدارس، بیمارستان‌ها و شرکت‌های دولتی.
حکمرانی در فضای خدمات <sup>۴</sup>	ایده حکمرانی محلی و منطقه‌ای و فضای خدمات در سطح ملی را ارائه می‌کند که شامل خدمات گوناگونی است که توسط بخش دولتی و خصوصی و بخش ثالث ارائه می‌گردند.
حکمرانی در فضای جامعه <sup>۵</sup>	شامل فعالیت‌هایی در سطح محلی است به نظر نمی‌آید که سازمان‌دهی فعالیت‌ها به شکل قانونی و رسمی انجام پذیرد.

Source: (Ali, 2015)

پس از تغییر و تحولات جوامع در دهه ۹۰ میلادی، بسیاری از رویکردها و سازوکارهای مدیریت دولتی تغییر یافته و به سمت‌وسوی جدیدتری راه یافتند (Weiss, 2000). از همین‌رو، اندیشمندان مختلفی در این زمینه نظریاتی را مطرح ساختند. هود<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) «حکمرانی عمومی نوین<sup>۷</sup>» را به‌عنوان رویکرد اصلی مدیریت دولتی نوین تلقی می‌کند که حوزه‌ای مهم و بسیار کاربردی است (Hood, 1998) و از این دوره به بعد بود که مباحث جدیدی در حکمرانی مطرح شدند. مواردی چون:

1. Global Governance
2. Governance in national space
3. Organizational Governance
4. Service space Governance
5. Community Governance
6. Hood
7. New Public Governance



حکمرانی مساعد یا مطلوب<sup>۱</sup>؛ حکمرانی شهروندمحور (مردم‌پایه)<sup>۲</sup>؛ حکمرانی هوشمند؛ حکمرانی مشارکتی<sup>۳</sup>؛ تمرکززدایی از قدرت سیاسی و اقتصادی (Andrews & Shah, 2003; da Silva & Fernandes, 2020; Dahal; Uprety & Subba, 2002; Farazmand, 2004; Keskinen & Kuosa, 2008; Liu & Qi, 2022; Setyadiharja; (Kurniasih; Nursnaeny & Nengsih, 2017; Tomor & et al., 2021).

#### ۴. ملاحظات نظری

حکمرانی هوشمند یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین انواع حکمرانی است که در پارادایم حکمرانی مطرح شده است. محققان مختلفی تلاش کرده‌اند تا تعریفی جامع و واحد از حکمرانی هوشمند ارائه دهند؛ اما تاکنون این امر میسر نشده است. باین‌حال، این اصطلاح یک مفهوم پویا و متکثر است که به‌طور خاص و تک‌بعدی در ادبیات نظری استفاده نمی‌شود (Lin, 2018). برخی از محققان حکمرانی هوشمند را به‌عنوان حکمرانی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات تعریف می‌کنند که مجموعه‌ای از فناوری‌ها، افراد، سیاست‌ها، شیوه‌ها، منابع، هنجارهای اجتماعی و اطلاعاتی را ارائه می‌کند که برای حمایت از فعالیت‌های حاکم بر جامعه در تعامل هستند (Chourabi & et al., 2012)، درحالی‌که سایر اندیشمندان حکمرانی هوشمند را به‌گونه‌ای دیگر تعریف می‌کنند؛ مثلاً، ون ویندن<sup>۴</sup> حکمرانی هوشمند را به‌عنوان شیوه‌های خوب در مشارکت دادن شهروندان در فعالیت‌های حکمرانی شفاف، مشارکتی و پاسخگو تعریف می‌کند (Van Winden, 2008). اگرچه محققان هنوز در مورد مفهوم حکمرانی هوشمند به توافق نرسیده‌اند؛ اما ادبیات نظری موجود نشان می‌دهد که آنها در زمینه‌های تأثیر فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حکمرانی؛ مدیریت دولتی و خدمات عمومی هوشمند؛ همکاری و مشارکت شهروندان و ذی‌نفعان و... اتفاق نظر دارند (Viale Pereira & et al., 2017). به‌طور کلی، مفهوم حکمرانی هوشمند از مفاهیم جامعه هوشمند، دولت هوشمند و جنبش پیشرفت هوشمند نشئت می‌گیرد (Liu & Qi, 2022). درواقع، حکمرانی هوشمند تغییر حکمرانی اجتماعی را از طریق تغییر فناورانه تحقق می‌بخشد که ایده جدید حکمرانی ترکیبی و کل‌نگر است که فناوری را به حاکمیت اجتماعی چندگانه تحت رهبری دولت تبدیل می‌کند و هدف آن ساخت جامعه‌ای هوشمند، فراگیر، یکپارچه و پایدار است

1. Sound Governance  
2. Citizen-Centered Governance  
3. Participatory Governance  
4. Van Winden



(Jiang; Geertman & Witte, 2021; Kang & Wang, 2020). در حال حاضر مفهوم حکمرانی هوشمند در محافل علمی تعابیر متعددی دارد؛ اما سه سطح برای تفسیر این مفهوم وجود دارد: نخست، سطح فناوری اطلاعات است که بر عملکرد حکمرانی هوشمند تأکید دارد که نیاز به تحقق پیوند و تعامل افراد، چیزها را دارد. دوم، لزوم وجود شبکه‌ها از طریق فناوری اینترنت است که حکمرانی هوشمند می‌تواند با استفاده از اینترنت، راهکارهای مهم و کاربردی‌ای را برای دولت و ایجاد نوآوری در حکمرانی اجتماعی به وجود آورد. سوم، از بعد ارزش کارکردی است که می‌تواند نوعی حکمرانی اطلاعاتی را به منظور بهینه‌سازی اطلاعات و داده‌های عمومی به وجود آورد (Liu & Qi, 2022).

حکمرانی هوشمند، بیشتر بر تبادل اطلاعات و ارتباطات چندجانبه میان مردم، دولت و توده‌ها تأکید می‌کند و جامعه‌ای گرم و صمیمی ایجاد می‌کند که مفهوم خدمت به مردم را ترویج می‌کند (Liu & Qi, 2022). در واقع، حکمرانی هوشمند به‌عنوان سازوکاری برای حکومت‌های شهروندمحور است که برای بهبود قابلیت‌های حکمرانی خود، از آن استفاده می‌کنند (Liu & Qi, 2022). بر اساس تعریف مایجر و رودریگز بولیوار<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، حکمرانی هوشمند از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: اهداف اجتماعی، همکاری و فناوری (Meijer & Bolívar, 2016). اهداف اجتماعی که اولین مؤلفه حکمرانی هوشمند را تشکیل می‌دهد، طیف گسترده‌ای از ابعاد اجتماعی است که هدف از آن‌ها، ایجاد ارزش عمومی مشترک است (Abella; Ortiz-de-Urbina-Criado & De-Pablos-Heredero, 2017; Baccarne; Mechant; Schuurman; Colpaert & De Marex, 2014; Kummitha & Crutzen, 2017; Webb; Hawkey & Tingey, 2016). یک نکته مهم و کلیدی در این مؤلفه این است که صرفاً در زمینه اجتماعی محصور نمی‌شود بلکه مباحث اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد (He; Boas; Mol & Lu, 2017). همکاری دومین مؤلفه حکمرانی هوشمند، است. در ادبیات نظری به این امر به‌عنوان مشارکت بازیگران متنوعی گفته می‌شود که چشم‌اندازها و منابع آنها برای تعریف و اجرای اهداف جمعی ضروری است (Camboim; Zawislak & Pufal, 2019; Fernandez-Anez; Fernández-Güell & Giffinger, 2018). این بازیگران می‌توانند دولت‌ها، مشاغل، شهروندان، جوامع، نهادها و سایر سازمان‌های اجتماعی باشند (Tomor & et al., 2021). میزان گنجاندن یا حذف این انواع مختلف بازیگران



در حکمرانی هوشمند، ترکیب مشارکت‌کنندگان و وسعت همکاری را مشخص می‌کند؛ بنابراین، دایره محدودی از ذی‌نفعان به پایگاه باریکی برای همکاری منتهی می‌شود و برعکس، تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان طیف گسترده‌ای از مشارکت را ایجاد می‌کنند (Breuer; Walravens & Ballon, 2014; Viale Pereira & et al., 2017). در میان این بازیگران چندگانه، نقش شهروندان به‌طور ویژه مورد تأکید قرار می‌گیرد، که منعکس‌کننده پیش‌فرض «شهروند محوری واقعی»<sup>۱</sup> در حکمرانی هوشمند است (Bătăgan, 2011). این ایده از مفهوم «شهروندان مشورتی»<sup>۲</sup> است که در امور عمومی شرکت می‌کنند و به آنها شکل می‌دهند (Capra, 2016; Hollands, 2019; Wilson; Tewdwr-Jones & Comber, 2015). درعین‌حال، میزان و شکل‌های نقش‌های شهروندی در امور عمومی می‌تواند متفاوت باشد، که با روش‌های مختلف مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی مشارکت شهروندان در ادبیات منعکس می‌شود؛ مثل مشارکت منفعل، که در آن شهروندان دریافت‌کنندگان اطلاعات یک‌طرفه هستند (Tomor & et al., 2021).

مؤلفه سوم، استفاده از فناوری‌ها است که در قالب‌های مختلف در ادبیات نظری ظاهر می‌شود. یکی از مهم‌ترین آنها به کارکردهای فناورانه‌ای اشاره دارد که مدیریت دولتی را بهینه می‌کند، که به بهبود زیرساخت‌های و سیستم‌های مدیریتی کمک می‌کند (Abella & et al., 2017; Alusi; Eccles; Edmondson & Zuzul, 2011; Lim; Kim & Maglio, 2018)؛ همچنین دیده شده است که استفاده از فناوری، تعاملات اجتماعی و همکاری در امور عمومی را امکان‌پذیر کرده و این شامل ابزارهایی است که مشارکت و همکاری را تقویت می‌کنند (Castelnovo; Misuraca, 2016; Jiang, Geertman & Witte, 2019; Mueller; Lu; Chirkin; & Savoldelli, 2018; Klein & Schmitt, 2018).

به‌طور کلی، حکمرانی هوشمند به سازمان‌های مختلف کمک می‌کند تا با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، همکاری‌های اداری را تقویت کنند و به اثر یکپارچه‌سازی خدمات عمومی دست یابند. به‌این ترتیب می‌توان اطلاعات را به‌طور کامل بین دولت‌های مختلف مردمی در سراسر کشور ردوبدل کرد، تبادل و به اشتراک‌گذاری اطلاعات را تحقق بخشید و قابلیت‌های حکمرانی را تا حد زیادی بهبود بخشید و یکدیگر از یکدیگر یاد بگیرند و باهم پیشرفت کنند (Liu & Qi, 2022).

1. truly citizen-centric  
2. deliberative citizens



مشارکت عمومی شامل سه بُعد است: دانش سیاسی در امور دولتی، اعتماد سیاسی برای سیستم سیاسی، و مشارکت سیاسی در تأثیرگذاری بر دولت و روند تصمیم‌گیری آن (Edwards, 2017). مشارکت عمومی از زیربناهای اصلی حکمرانی است (Nyaranga; Hao & Hongo, 2021; Quick & Bryson, 2022). پیوند مشارکت عمومی و حکمرانی مشارکتی موجب توسعه «سرمایه انسانی، زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و شهروندی فعال و نوآوری فناورانه، سازمانی و سیاسی» می‌شود (Nam & Pardo, 2011; Ojo & et al., 2016). مدیریت‌ها و خدمات دولتی، مشارکت شهروندان و همکاری ذی‌نفعان با «حکمرانی هوشمند» مرتبط می‌باشند که به عنوان یکی از ابعاد کلیدی حکمرانی هوشمند هستند (Meijer & Bolívar, 2016). از طریق حکمرانی هوشمند می‌توان مشارکت عمومی را تقویت، و از فساد جلوگیری کرد. دیگری خودکار و هوشمندی ارائه‌شده توسط فناوری‌های هوشمند است که استفاده از آنها مزایایی بسیار زیادی دارند (Liu & Qi, 2022). به‌طور مشابه، گوهری و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که مشخصه اصلی حکمرانی هوشمند، مشارکت و همکاری مشترک است، که در آن دولت و همه بازیگران مرتبط در جامعه قدرت و اقتدار را به‌منظور افزایش انعطاف‌پذیری و سازگاری بررسی می‌کنند (Gohari; Ahlers; F. Nielsen & Junker, 2020). تورفینگ و همکاران (۲۰۱۲) پیشنهاد می‌کنند که تحقیقات آینده می‌تواند ارتباط بین حکمرانی هوشمند و حکمرانی مشارکتی را تقویت کند (Torfing; Peters; Pierre & Sørensen, 2012). همچنین، حکمرانی هوشمند ابزاری برای هدایت و تقویت مشارکت عمومی از طریق بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است تا مسیری آشکار و پایدار برای ایجاد یک ابزار گفتگو بین حکومت و مردم برای پیشرفت جمعی از طریق توسعه پایدار ارائه دهد (نصری و تبرزد، ۱۳۹۹، ص. ۵۸).

نظریه‌های سنتی علوم مدیریت و سیاست محدود به معرفت‌شناسی جزئی بوده و ویژگی اصلی آنها علمی بدون صرف، یک‌رشته‌ای بودن، روش محوری، پیش‌بینی‌پذیری و اطمینان است. این رویکرد موجب نگاه بخشی به مسائل مرتبط با این حوزه‌های علمی شده و تقلیل آن به یک رویکرد صرفاً اقتصادی یا سیاسی می‌شود. در حالی که ویژگی اصلی مباحث مدیریت و علوم مرتبط با سیاست و حکمرانی و...، پویایی، پیچیدگی و چندبعدی بودن آنهاست. لذا نظریه‌هایی را طلب می‌کند که از ویژگی علمی و اجتماعی، چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای، مشارکتی به‌جای روش محوری، نااطمینانی و پیش‌بینی‌ناپذیری برخوردار بوده و پدیده‌ها را در متن اجتماعی آن مورد



بررسی و تحلیل قرار دهد (Martens, 2006). پژوهش حاضر نیز با توجه به مباحث فوق‌الذکر استفاده از چنین نگرشی را سرلوحه دیدگاه نظری خود قرار داده است که ارائه آن برای توسعه بدنه مدیریت دولتی، علوم سیاسی و حکمرانی اهمیت می‌یابد. پژوهش حاضر سعی بر ارائه دقیق مطالب مربوط به مبحث حکمرانی در حوزه مشارکت عمومی را دارد تا از این طریق بتواند شناخت صحیحی از موضوع پژوهش ارائه نماید و در نهایت از جهت کاربردی نیز این پژوهش با تحلیل و بررسی دقیق مفهوم و فرایند حکمرانی هوشمند در بستر مشارکت عمومی، اقدام به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های جدید و کاربردی در حوزه مذکور می‌کند که تبیین چنین مواردی حداقل در ایران صورت نگرفته است و به دلیل نبودن موضوع می‌تواند سهم بسزایی در توسعه نظریه و عملی دانش مدیریت دولتی، علوم سیاسی و حکمرانی را داشته باشد.

## ۵. روش‌شناسی پژوهش

پس از تعیین و تنظیم موضوع پژوهش، بایستی روش تحقیق مرتبط با پژوهش انتخاب و توضیح داده شود. روش پژوهش حاضر بر مبنای ماهیت داده‌ها، کیفی بوده و روش تحقیق به کاررفته در آن روش کیفی «گروه کانونی»<sup>۱</sup> است.

گروه کانونی به عنوان روشی مؤثر برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق در مورد گروهی از افراد مطلع و خبره در حوزه‌ای خاص می‌باشد (Krueger, 2014). این روش دارای رویکردهای مختلفی جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات است و حتی می‌توان آن را در ترکیب با سایر روش‌ها به کار برد (Gundumogula, 2020). در این پژوهش، از میان هفت نوع مرسوم در این روش تحقیق، از گروه کانونی برخط استفاده شده است. روش گروه کانونی برخط به خودی خود نوع متفاوتی از بحث گروهی متمرکز نیستند، بلکه برگرفته از اینترنت به عنوان اقتباسی از روش‌های سنتی هستند. در محیط برخط، از تماس همایش، اتاق‌های گفتگو یا سایر ابزارهای برخط استفاده می‌شود (O. Nyumba; Wilson; Derrick & Mukherjee, 2018).

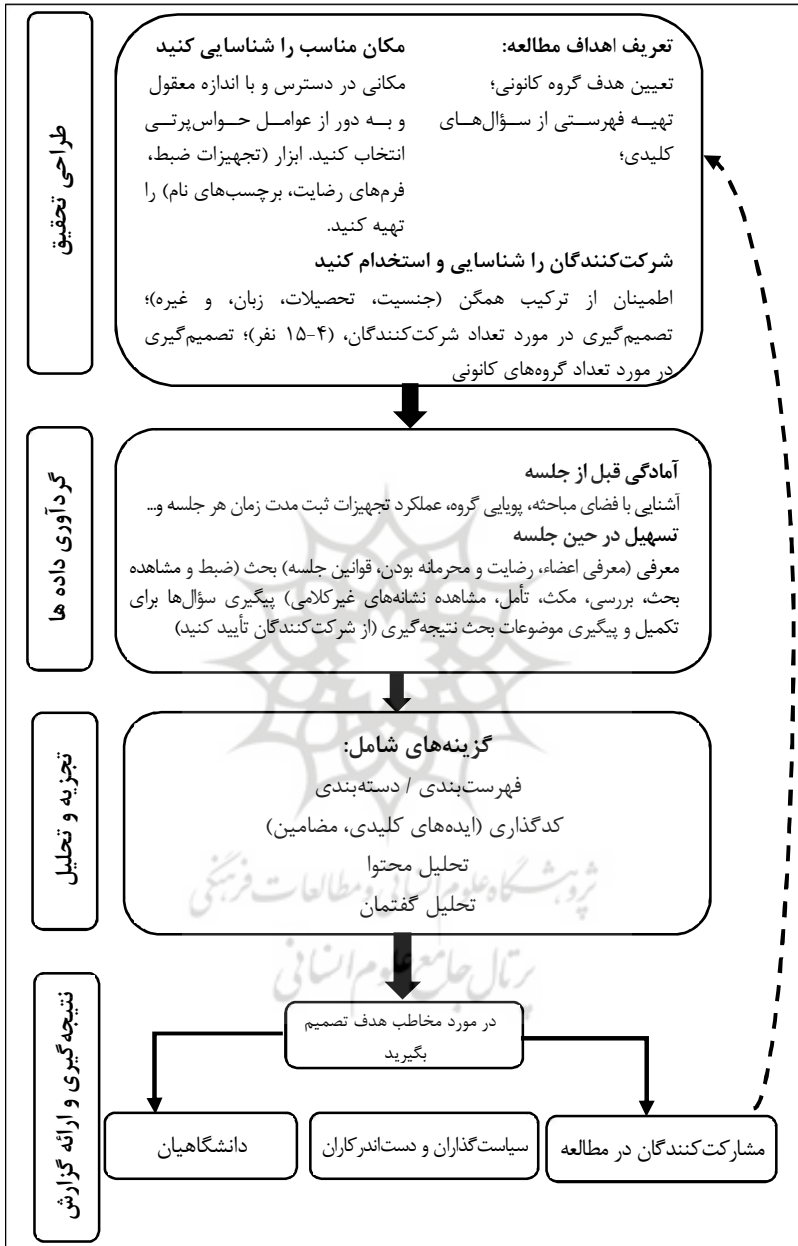
در این پژوهش، از سه دسته خبرگان در گروه کانونی استفاده شده است که اطلاعات موردنظر با استفاده از ابزار مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، در بازه زمانی آذر ۱۴۰۰ تا تیر ۱۴۰۱ گردآوری شده‌اند. بدین صورت که دسته اول شامل ۷ تن از خبرگان حوزه علوم سیاسی و حکمرانی هستند؛ دسته دوم ۶ تن از خبرگان مدیریت دولتی و مشارکت عمومی هستند و دسته سوم که دسته جمعیتی هستند، متشکل از



۸ تن از خبرگان حوزه تقنین و اجرایی کشور می‌باشند که در این زمینه، دارای سابقه اجرایی و بعضاً دانشگاهی هم هستند. در روش گروه کانونی، دامنه وسیع تجربه و تخصص حرفه‌ای مشارکت‌کنندگان، این اجازه را می‌دهد که تجربه و دیدگاه‌های مختلف در یک محیط امن و باز، به‌وضوح درک و عمیقاً بررسی شوند (Stephenson; Gergel; Keene; Rifkin, & Owen, 2020). طی مصاحبه‌های به‌عمل‌آمده - مصاحبه برخط - داده‌های خام به‌طور مستقل استخراج‌شده و بازتاب‌های اولیه مورد بحث قرار می‌گیرند؛ سپس یک چهارچوب کدگذاری اولیه ایجاد می‌شود. طی یک رویکرد استقرایی و حرکت از جزء به کل، با استفاده از «چهارچوب کدگذاری سه‌محوری<sup>۱</sup>» که در روش‌های کیفی مرسوم است؛ فرایند کدگذاری و استخراج مضامین آغاز می‌شود و از طریق یک فرایند تکراری تا رسیدن به اشباع کار ادامه می‌یابد؛ سپس از نقشه موضوعی اولیه که از گزاره‌های حاصل از مصاحبه‌های فوق به‌دست‌آمده‌اند، برای ایجاد یک مدل منطقی استفاده شد. این مورد توسط تیم تحقیقاتی اصلاح و به‌محض اینکه اجماع نظری حاصل گردید، ملاحظه شد که مضامین و مدل، به‌طور دقیق داده‌ها و اطلاعات مورد نظر را نشان می‌دهند. «قابلیت اعتماد<sup>۲</sup>» تحلیل با استفاده از معیارهای توسعه‌یافته توسط روش نوول و همکاران بررسی شد (Nowell; Norris; White & Moules, 2017). بدین ترتیب که برای بررسی اعتبار و تناسب بین نظرات پاسخ‌دهندگان و کدهای استخراج‌شده توسط محقق، چند تن از افراد خبره یا مطلع در این حوزه، بین یافته‌ها (کدهای استخراج‌شده) و تفاسیر اولیه محقق، نظراتی را مطرح ساختند که به‌عنوان نوعی کفایت ارجاعی<sup>۳</sup> در نظر گرفته می‌شود. از طریق فرایند بررسی، تعدادی از کدهای مستخرج حذف، و ادامه روند دسته‌بندی کدها ادامه یافت. این مراحل، مطابق با چهار مرحله اصلی مورگان و همکاران (۱۹۹۸) هستند که در شکل ۱ نشان داده شده است. این مراحل شامل: (۱) طراحی تحقیق، (۲) جمع‌آوری داده‌ها، (۳) تجزیه و تحلیل و (۴) گزارش نتایج است (Morgan; Krueger & King, 1998).

---

1. three-element coding framework  
2. trustworthiness  
3. Referential Adequacy



Source: (Morgan & et al., 1998)

شکل (۱): نمودار جریان مراحل روش گروه کانونی

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. مرحله اول: طراحی پژوهش

فرایند با شناسایی هدف اصلی و تعیین اهداف کلیدی پژوهش آغاز می‌شود. بر اساس اهداف پژوهش، فهرستی از سؤال‌ها به عنوان راهنمایی برای هر جلسه بحث گروه کانونی تهیه شد. پس از آن، مشارکت‌کنندگان پژوهش شناسایی شدند که از نظر اندیشمندان این حوزه، حیاتی‌ترین گام می‌باشد؛ زیرا این روش عمدتاً مبتنی بر پویایی گروه و روابط هم‌افزایی بین مشارکت‌کنندگان برای تولید داده است. ترکیب گروه به هدف اصلی پژوهش بستگی دارد و چون حوزه موضوعی در رشته‌های علوم سیاسی و مدیریت دولتی است، خبرگان موردنظر از این رشته‌ها انتخاب شدند و به منظور جلوگیری از «سوگیری مشارکت‌کنندگان»<sup>۱</sup>، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. سپس با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، گزاره‌های اولیه استخراج شدند. گام بعدی این است که یک مکان مناسب برای بحث را مشخص شود که با توجه به شیوع ویروس کرونا، از گروه کانونی برخط بهره برده شد که از طریق یکی از نرم‌افزارهای شبکه‌های اجتماعی، این جلسات برگزار شدند.

### ۶-۲. مرحله دوم: گردآوری داده‌ها

در این مرحله مستندسازی محتوای کلی بحث و درنهایت، تکمیل داده‌ها صورت می‌پذیرد. داده‌های کلامی و غیرکلامی بر رفتار و اعمال گروه کانونی در «قبل، حین و بعد» از بحث متکی هستند. روش‌های اصلی جمع‌آوری داده‌ها در طول بحث گروه کانونی شامل ضبط صوت و نوار، یادداشت‌برداری و مشاهده شرکت‌کننده است که در این پژوهش به دلیل تأکید برخی از مشارکت‌کنندگان مبنی بر عدم افشای نام و ضبط جلسه، از روش یادداشت‌برداری و مشاهده مشارکت‌کننده استفاده شد. به همین دلیل، بازه زمانی گردآوری داده‌ها، طولانی و به صورت مقطعی شده است. صرف نظر از تعداد جلسات بحث گروه کانونی، مهم است که مدت جلسات را در نظر بگیرد. قاعده کلی در رابطه با مدت زمان انجام جلسه وجود ندارد؛ اما تأکید اکثر اندیشمندان، بازه زمانی ۱ تا ۲ ساعت است که بر اساس پیچیدگی موضوع موردبررسی، تعداد سؤال‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین می‌شود. در این پژوهش، هر یک از جلسات حدود ۱ ساعت به طول انجامیدند. طی مصاحبه‌های به عمل آمده



هر یک از گزاره‌های خام به‌طور مستقل استخراج شده و بازتاب‌های اولیه مورد بحث قرار گرفتند؛ سپس یک چهارچوب کدگذاری اولیه ایجاد شده و استخراج مضامین تا رسیدن به حد اشباع نظری صورت پذیرفت.

### ۳-۶. مرحله سوم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش گروه کانونی معمولاً داده‌های کیفی و مشاهده‌ای را به دست می‌دهد و روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی مختلفی می‌توانند برای تجزیه و تحلیل داده‌های آن مورد استفاده قرار گیرند. روش‌های کیفی چون نظریه داده‌بنیاد، تحلیل مضمون، قوم‌نگاری، تحلیل محتوا و... به منظور کدگذاری داده‌های حاصله در این پژوهش، از «چهارچوب کدگذاری سه‌محوری<sup>۱</sup>» که در روش‌های کیفی مرسوم است بهره برده شده است. بدین صورت که اولین گام، کدگذاری اولیه است که شامل تولید کدهای دسته‌های متعدد بدون محدود کردن تعداد کدها می‌شود. در این مرحله، محقق ایده‌های نوظهور را فهرست می‌کند، نمودارهای رابطه را ترسیم می‌کند و کلمات کلیدی را که اغلب توسط پاسخ‌دهندگان به عنوان شاخص‌های مضامین مهم استفاده می‌شوند، شناسایی می‌کند که تعداد حاصل، ۸۳ کد اولیه بود. مرحله دوم شامل کدگذاری متمرکز<sup>۲</sup> است که در آن محقق مقوله‌های کدگذاری شناسایی شده در مرحله اول را حذف، ترکیب یا تقسیم می‌کند. در اینجا بایستی بیشتر توجه را به ایده‌های تکرار شونده و مضامین گسترده‌تری که کدها را به هم متصل می‌کنند معطوف کرد. این فرایند می‌تواند نتایج مهمی را برای مقایسه بین گروه‌های تمرکز، پویایی گروه، شرکت‌کنندگان فردی یا اظهارات شرکت‌کنندگان به دست آورد. در این مرحله، از میان ۸۳ کد اولیه مرحله قبل، ۳۷ کد متمرکز استخراج شدند. در مرحله سوم، کدگذاری نظام‌مند<sup>۳</sup> صورت می‌پذیرد که با تجزیه و تحلیل کدهای متمرکز، قالب دسته‌های سازمان‌دهی شده قرار می‌گیرند که در این مرحله، ۱۷ کد نظام‌مند استخراج شدند؛ سپس، به منظور دستیابی به قابلیت اعتماد<sup>۴</sup> هر یک از کدها و ایجاد اطمینان در رابطه با هر یک از کدهای مستخرج، محقق با استفاده از روش نوول و همکاران تحلیل‌های مورد نظر را صورت داده و با مشورت چند تن از افراد خبره در این حوزه، بین یافته‌ها (کدهای استخراج شده) و تفاسیر اولیه محقق، نظراتی را

1. three-element coding framework
2. focused coding
3. systematic coding
4. trustworthiness





مرح ساختند که به‌عنوان نوعی کفایت ارجاعی در نظر گرفته شد. از طریق فرایند بررسی، تعدادی از کدهای مستخرج حذف، و ادامه روند دسته‌بندی کدها ادامه یافت؛ سپس، با عطف به موضوع و ماهیت تحقیق و همچنین، روند پژوهش، محققان می‌توانند تصمیم بگیرند که مضامین نهایی بر اساس «مضامین، گفتمان یا نقل‌قول‌ها» دسته‌بندی یا یکپارچه شوند که در این تحقیق، براساس هر یک از مضامین این دسته‌بندی صورت پذیرفت که ۴ دسته اصلی (مؤلفه یا مضمون اصلی) استخراج شدند (جدول ۲).

#### ۴-۶. مرحله چهارم: نتیجه‌گیری و ارائه گزارش

هنگامی که همه داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند، محقق باید نتایج را در یک گزارش منسجم برای انتشار ادغام کند. تصمیمات کلیدی در رابطه با تحقیق باید اتخاذ شود تا گزارش متناسب با اهداف تحقیق مطابقت داشته باشد. همان‌طور که در مرحله قبل مشخص شد، اگرچه بررسی اعضاء به مشارکت‌کنندگان در بحث گروه کانونی این فرصت را می‌دهد تا صحت و انطباق با تجربیات خود را بررسی کنند، اما محقق در رابطه با قابلیت اعتماد کدها اقدام نموده تا خلأ یا اشکالی در طی فرایند وجود نداشته باشد. این مقوله که به‌عنوان نوعی اعتبارسنجی است، موجب می‌شود تا اعتبار گزارش یا مطالعه افزایش یافته و چالش‌ها و اشکالات احتمالی به حداقل برسند.

#### ۵-۶. پاسخ به سؤال اول پژوهش

مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان شامل چه مواردی هستند؟  
مطابق با یافته‌های تحقیق، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در راستای مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان در جدول ۲ مرقوم شده‌اند.

#### جدول (۲): مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی هوشمند در راستای مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان

مؤلفه‌ها / مضامین	شاخص‌ها
حکمرانی الکترونیک	تعامل و مشارکت نهادی در دولت الکترونیک؛ مردم‌سالاری الکترونیک؛ حکمرانی و حمایت رسانه‌ای؛ نهادها و سازمان‌های

1. "themes", "discourse" or "illustrative quotations"  
2. Media advocacy



مؤلفه‌ها / مضامین	شاخص‌ها
	هوشمند؛ امکانات و زیرساخت‌های به‌روز و مجهز
سلامت اداری یکپارچه	شفافیت و پاسخگویی کارآمد و اثربخش؛ حاکمیت قانون؛ فعالیت و آزادی عمل سمن‌ها و دیده‌بان‌های مبارزه با فساد اداری؛ دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات؛ سازمان و کارمندان «سالم» <sup>۱</sup>
خدمات عمومی سالم <sup>۲</sup>	ارائه خدمات عمومی الکترونیک برخط و غیربرخط؛ دولت برخط <sup>۳</sup> یا دولت مبتنی بر اینترنت <sup>۴</sup> ؛ بهبود اثربخشی خدمات عمومی
اعتماد عمومی پایدار	مشارکت و مشورت با شهروندان و سایر بخش‌ها <sup>۵</sup> ؛ ایجاد ارتباطات همه‌جانبه با شهروندان و سایر بخش‌ها؛ حمایت از عدالت اجتماعی <sup>۶</sup> ؛ همکاری مشترک دولت با سازمان‌های جامعه مدنی و سایر بخش‌ها

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، چهار مضمون یا مؤلفه اصلی با ۱۷ شاخص مرتبط مشخص شده‌اند که جهت تبیین و توضیح، در بخش بعدی مقاله؛ یعنی قسمت بحث و بررسی توضیح داده می‌شوند.

## ۶-۶. پاسخ به سؤال دوم پژوهش

مضمون یا مؤلفه اصلی «حکمرانی الکترونیک» شامل شاخص‌های «تعامل و مشارکت نهادی در دولت الکترونیک؛ مردم‌سالاری الکترونیک؛ حکمرانی و حمایت رسانه‌ای؛ نهادها و سازمان‌های هوشمند؛ امکانات و زیرساخت‌های به‌روز و مجهز» است. منظور از حکمرانی الکترونیک، صرفاً استفاده از ادوات و ابزارهای الکترونیکی نیست بلکه استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک ابزار برای دستیابی به حکمرانی بهتر تعریف شود که درنهایت، مشارکت شهروندان و مهندسی مجدد فرایند کسب‌وکار و... را تسهیل می‌نماید.

یکی از مسائل و مشکلات اصلی جوامع، ضعف در مشارکت و همکاری بین‌سازمانی است - بالأخص سازمان‌های دولتی - که نیازمند برقراری ارتباطات چند سویه میان آن‌هاست. به همین سبب، این مضمون سازمان‌دهنده به‌عنوان زیربنای اصلی حکمرانی

1. Sound Organization and Employees
2. Sound public services
3. Online government
4. Internet-based government
5. Involving & Consulting the citizen and other sectors
6. Social justice advocacy



الکترونیک می‌باشد. به‌منظور برقراری حکمرانی الکترونیک نیاز است تا تعامل و مشارکت نهادی در دولت الکترونیک صورت پذیرد. این تعامل و مشارکت در سه رویکرد دولت به کسب و کار<sup>۱</sup> (G2B)؛ دولت به دولت<sup>۲</sup> (G2G)؛ دولت به کارمندان<sup>۳</sup> (G2E) صورت می‌پذیرد. اتخاذ این رویکردها موجب می‌شود تا مفهوم حکمرانی الکترونیک به‌معنای گسترش دامنه با همکاری شهروندان و مشارکت در حکمرانی باشد. هدف نهایی تعامل و مشارکت نهادها و سازمان‌ها در دولت الکترونیک این است که دولت و سازمان‌های ارائه‌کننده خدمات دولتی، قادر به ارائه مجموعه‌ای از خدمات عمومی به شهروندان در یک روش کارآمد و مقرون به‌صرفه باشند. دولت الکترونیک اجازه شفافیت دولت را می‌دهد و شفافیت دولت که از مهم‌ترین ارکان سلامت اداری آن است، به مردم اجازه می‌دهد تا در مورد آنچه که دولت بر روی آن کار می‌کند و همچنین سیاست‌هایی که آنها در تلاش برای اجرای آن هستند، مطلع شوند. حکمرانی و حمایت رسانه‌ای شاخص بعدی حکمرانی الکترونیک است. استفاده راهبردها از رسانه‌های جمعی به‌عنوان یک منبع مهم است که به‌وسیله آن می‌توان خط‌مشی‌های عمومی و اجتماعی را پیش برد و بسیاری از امور را تسهیل کرد، یکی از تضمین‌های اصلی موفقیت حکمرانی هوشمند است. رسانه‌های اجتماعی، اینترنت و داده‌های باز به‌طور گسترده‌ای برای فعال کردن مشارکت شهروندان در حکمرانی استفاده می‌شوند و می‌توان از طریق آنها به اهداف مختلفی دست پیدا کرد. شاخص مردم‌سالاری الکترونیک به‌عنوان یکی از زیربناهای مهم حکمرانی الکترونیک است. مردم‌سالاری الکترونیک عاملی کلیدی در مشارکت بیشتر شهروندان است. بدین‌صورت که مردم سراسر کشور از طریق ویژگی‌های مشارکتی و تعاملانه برخی شبکه‌ها و تارنماها می‌توانند به سیاستمداران یا کارمندان دولتی کمک کنند و یا «صدای» خود را بشنوند و این مقوله، همکاری و مشارکت بیشتر آنان را موجب می‌شود. از طرفی نیز «وب نوشته‌های<sup>۴</sup>» اینترنتی و تعاملی به سیاستمداران یا خدمتگزاران این اجازه را می‌دهند دیدگاه‌های مردم را در هر موضوعی ببینند. «اتاق‌های گفتگو<sup>۵</sup>» می‌توانند شهروندان را در زمان واقعی با مقامات منتخب یا کارکنان اداری خود مرتبط سازند و یا آنها را به‌صورت مستقیم با کارمندان دولتی مرتبط سازند و حتی به آنها اجازه دهند تا

- 
1. Government-to-Citizen or government-to-Consumer (G2C)
  2. Government-to-Government (G2G)
  3. Government-to-Employees (G2E)
  4. Blogging
  5. Chat rooms



به‌عنوان یک «رأی‌دهنده» تأثیرات مستقیمی را بر دولت بگذارند. این فناوری‌ها می‌توانند دولت شفاف‌تری را ایجاد کنند تا به رأی‌دهندگان این اجازه را دهند تا کارگزاران و نمایندگان خود را در انجام وظایفی که مردم به آنان سپردند را رصد نمایند. این مسئله به رأی‌دهندگان کمک می‌کند تا بدانند چه افرادی را در آینده انتخاب کنند یا چگونه به نمایندگان خود کمک کنند تا عملکرد بهتری داشته باشند. از دیدگاه نظریه‌ها، یک دولت می‌تواند با کاربرد صحیح دولت الکترونیک به‌سوی مردم‌سالاری واقعی حرکت کند. دو شاخص بعدی که تا حدود زیادی به یکدیگر مرتبط هستند اما تفاوت‌هایی دارند، در قالب «تهادها و سازمان‌های هوشمند؛ امکانات و زیرساخت‌های به‌روز و مجهز» دسته‌بندی شده‌اند. تقریباً دو دهه است که حرکت اکثر کشورها به سمت‌وسوی دولت برخط و دولت دیجیتال و... است. به‌همین‌منظور، نیاز است تا نهادها و سازمان‌های مربوطه، با تجهیز شدن امکانات و زیرساخت‌های به‌روز، در راستای خدمت‌رسانی و مشارکت شهروندان مؤثر باشند.

مضمون یا مؤلفه اصلی «سلامت اداری یکپارچه» که شامل شاخص‌هایی چون «شفافیت و پاسخگویی کارآمد و اثربخش؛ حاکمیت قانون؛ فعالیت و آزادی عمل سمن‌ها و دیده‌بان‌های مبارزه با فساد اداری؛ دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات؛ سازمان و کارمندان سالم» است. شفافیت و پاسخگویی کارآمد و اثربخش لازمه هر حکمرانی است. شفافیت حکومت، دولت و نهادهای مختلف با مردم، این آگاهی را به مردم خواهد داد که تصمیمات، چگونه اتخاذ می‌شوند و مقامات منتخب یا کارمندان و... را مسئول یا وکیل خود می‌دانند. این مقوله با شاخص سازمان و کارمندان سالم در ارتباط است. تلاش کشورهای دنیا در راستای ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد است. به‌همین‌سبب، بدنه اصلی نهادها و سازمان‌های متولی حکمرانی و مشارکت عامه بایستی سالم و عاری از فساد باشند. حاکمیت قانون یکی دیگر از شاخص‌های مستخرج در این مؤلفه است. حاکمیت قانون از مهم‌ترین اصول مطرح و موردقبول قوانین اساسی همه کشورهای جهان است و مضمون این اصل، حاکمیت قوانین موجود در یک کشور می‌باشد که در نتیجه آن، همگان در برابر قوانین، مساوی خواهند بود. این شاخص به‌عنوان لازمه اصلی حکمرانی هوشمند در هر کشوری است و در نبود آن، هرج‌ومرج و بی‌قانونی مسلط خواهد شد. دو شاخص بعدی که ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند عبارت‌اند از: «فعالیت و آزادی عمل سمن‌ها و دیده‌بان‌های مبارزه با فساد اداری؛ دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات». امروزه تنها نمی‌توان به سازوکارهای اداری و اجرایی در ایجاد سلامت اداری اکتفا کرد. به‌همین‌منظور، نیاز



است تا با همکاری سایر بخش‌های مردم‌نهاد و غیردولتی، این مقوله را به منصفه ظهور و اجرا رسانند. از همین‌رو فعالیت سمن‌ها و دیده‌بان‌های مبارزه با فساد اداری می‌تواند به‌عنوان یک نقش میانجی و یاری رساننده در مبارزه با فساد اداری و ارتقای سلامی اداری مثمرتر باشد. از طرفی نیز حکومت‌ها می‌توانند با دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات، شفافیت را ایجاد کرده و ضمن رعایت اصول قانونی، سیر افکار عمومی و اذهان جامعه عمومی را با مشارکت همراه سازند.

مضمون یا مؤلفه اصلی «خدمات عمومی سالم یا مساعد» شامل شاخص‌هایی چون «ارائه خدمات عمومی الکترونیک برخط و غیربرخط؛ دولت برخط یا دولت مبتنی بر اینترنت؛ بهبود اثربخشی خدمات عمومی» است. فناوری‌های جدید، راه‌های جدیدی را برای تعامل و همکاری شهروندان، دولت‌ها، کسب و کارها و نهاد‌های مختلف فراهم می‌کنند. بسیاری از تحقیقات نیز تأیید می‌کنند که نقش دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی و مقامات اداری را برای مشارکت شهروندان و جامعه مدنی در حکمرانی مفید بوده و حکمرانی هوشمند می‌تواند به ایجاد رابطه متوازن بین دولت، بازار و جامعه مدنی و... کمک کند. بسیاری از خدمات عمومی الکترونیک در مقایسه با دفاتر دولتی که معمولاً در طول ساعات کاری باز می‌شوند، می‌توان به این نکته مهم اشاره کرد که شهروندان قادرند با استفاده از رایانه و اینترنت به‌صورت ۲۴ ساعته در هفت روز هفته، به خدمات دسترسی داشته باشند. حکمرانی هوشمند برای بهبود بهتر سطح خدمات شهروندمحور (مردم پایه) و دستیابی به خدمات عمومی الکترونیک مؤثر، مزایایی را خواهد داشت. دولت برخط یا دولت مبتنی بر اینترنت یکی دیگر از شاخص‌هایی است که در زمینه خدمات عمومی سالم یا مساعد تأثیر دارد. اینترنت شهروندان را قادر می‌سازد اطلاعات مختلفی را به‌دست بیاورند و به آنها اجازه می‌دهد که از تعداد بیشتری از افراد مشاوره بگیرند. این تصمیم‌گیری جمعی به حل مسئله برای شهروندان کمک می‌کند و به سیاستمداران کمک می‌کند سریع‌تر تصمیم بگیرند. این مقوله، موجب ایجاد یک جامعه سازنده‌تر می‌شود که می‌تواند مشکلات را سریع‌تر و کارآمدتر حل کند. این رابطه صرفاً یک‌طرفه نیست و می‌تواند جریان برعکسی نیز داشته باشد. دریافت بازخورد و حتی مشاوره از عموم مردم، بخش بزرگی از هدف سیاستمداران است که به آنها اجازه می‌دهد تا با تعداد بیشتری از نظرات مردم، به‌طور مؤثرتر عمل کنند. این توانایی بالقوه موجب می‌شود برقراری ارتباط با عموم افزایش یابد و دولت‌ها قادر باشند به‌عنوان یک مردم‌سالاری به شکل قابل قبول‌تر و مؤثرتر عمل کنند.





مضمون یا مؤلفه اصلی «اعتماد عمومی پایدار» از شاخص‌هایی چون «مشارکت و مشورت با شهروندان و سایر بخش‌ها؛ ایجاد ارتباطات همه‌جانبه با شهروندان و سایر بخش‌ها؛ حمایت از عدالت اجتماعی؛ همکاری مشترک دولت با سازمان‌های جامعه مدنی و سایر بخش‌ها» است. بن‌مایه اصلی حکمرانی، مشارکت و مشورت با شهروندان و سایر بخش‌هاست. حکومت‌ها زمانی می‌توانند به پیشبرد امور و اهدافشان امیدوار باشند که ارتباطات مستقیم و همه‌جانبه‌ای را با شهروندان و سایر بخش‌های ایجاد نمایند. این امر را می‌توان با استفاده از سازوکارهای مشارکت، همکاری و اطلاع‌رسانی به شهروندان و سایر بخش‌ها<sup>۱</sup> صورت داد. حمایت از عدالت اجتماعی نیز یکی دیگر از شاخص‌های اعتماد عمومی پایدار است. در مبانی نظری مرتبط با حکمرانی، «عدالت» از اصلی‌ترین ابعاد بسیاری از مدل‌ها و نظریه‌هاست. حکومت‌ها ضمن حل مسائل اجتماعی، نیازمند توجه ویژه به یکسری از مفاهیم هستند که بیشتر جنبه اخلاقی و ارزشی دارند. عدالت اجتماعی یکی از این مفاهیم است که از دیرباز تاکنون، مورد توجه جوامع بوده است. حکومت‌ها می‌توانند با حمایت از عدالت اجتماعی، ضمن ایجاد توسعه فکری و همکاری قوی بین حکومت و سایر بخش‌ها، بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی جامعه یعنی اعتماد عمومی را به دست آورند. این مقوله صرفاً یک مسئله حکومتی یا مدیریتی نیست، بلکه جنبه حیاتی دارد به‌مثابه یک رکن اصلی در حکمرانی هوشمند است. شاخص بعدی، همکاری مشترک دولت با سازمان‌های جامعه مدنی و سایر بخش‌هاست. در حکومت‌های مختلف، دولت‌ها به‌عنوان متولی اجرایی امور (قوه مجریه) همکاری‌های مشترکی را با بخش‌های مختلف به عمل می‌آورند. این همکاری‌ها ضمن ایجاد تعامل، محیطی مؤثر را به‌وجود آورده که می‌تواند راهگشای بسیاری از اقدامات صعب‌الوصول باشد. دولت به‌تنهایی نمی‌تواند انجام تمامی امور و اقدامات را به دوش کشد و به همین دلیل نیازمند یاری سایر بخش‌ها نیز می‌باشد. از همین‌رو، نیاز است تا همکاری مشترک با بخش‌های مختلف، به سمت راهبردهای همکاری جویانه گام بردارد.

### نتیجه‌گیری

هدف اولیه حکمرانی، خدمت به تمامی اقشار جامعه است. حکمرانی هوشمند که به‌عنوان یکی از انواع مهم حکمرانی است، باید به اصل «مردم‌گرایی» پایبند باشد، احترام به مردم را در درجه اول قرار دهد و با هر نوع نادیده گرفتن یا حتی آسیب

رساندن به منافع مردم مخالفت کند. این تجلی واقعی ارزش‌های انسانی در حکمرانی است. در مقاله حاضر که مؤلفه‌ها و شاخص‌های اصلی حکمرانی هوشمند در راستای تحقق همکاری و مشارکت عامه استخراج شدند، الزام‌ها و قابلیت‌هایی شناسایی شدند که به حکومت‌ها کمک می‌کنند نوع جدیدی از خدمات عمومی و نوین در جامعه جریان یابد که درنهایت، مشارکت و همکاری عامه را در پی داشته باشد. این نوع حکمرانی دارای ویژگی‌های مهمی از جمله آینده‌نگری، نوآورانه بودن و خردمحوری است. آینده‌نگر است یعنی با استفاده از ظرفیت‌های مختلف جامعه چه شهروندان و چه سایر بخش‌ها- در تدوین سیاست‌های آتی مؤثر باشد. نوآورانه است چون حکمرانی هوشمند حکمرانی است که رفتارهای حاکمیتی با فناوری‌ها و زیرساخت‌های پیشرفته و دولت را باهم ترکیب می‌کند و از آنجایی که درجه ارتباط و اطلاع‌رسانی آن به سایر بخش‌های جامعه بالاست، منجر به شکل‌گیری رفتار تصمیم‌گیری منسجم در ابزارهای حاکمیتی می‌شود. در کشور ما نیز از طریق حکمرانی هوشمند می‌توان روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات و ایجاد بستر تصمیم‌گیری نوین را اتخاذ نمود تا تصمیم‌گیری دولت‌ها و حتی سازمان‌ها نوآورانه باشند و مشارکت و همکاری نیز بهبود یابد. حکمرانی هوشمند خردمحور است و خرد حکمرانی هوشمند عمدتاً در بخش‌های مختلف، به گونه‌های مختلفی متجلی می‌شود. اولین مورد، خرد مدیریت سیاسی در درون نظام سیاسی است. به‌عنوان مثال، دولت از ظرفیت‌های درونی برای کاهش فساد و بهبود کارایی استفاده می‌کند تا مسئولیت عمومی را بر عهده بگیرد و اعتماد عمومی را جلب کند. خرد مدیریت اجرایی نیز دارد بدین صورت که برای توسعه اقدامات و امور مرتبط با مدیریت دولتی در آینده مفید است و می‌تواند بسیاری از خلأها و شکاف‌ها را پوشش دهد. به‌عبارتی، یافته‌های پژوهش حاکی از آنند که حکمرانی هوشمند می‌تواند زیرساخت‌های بهتری را در تمامی بخش‌ها به‌وجود آورده و با در نظرگیری چهارچوب‌های قانونی و نهادی، مقوله مشارکت عمومی را به بهترین شکل و کیفیت ممکن، به منصفه ظهور و اجرا رساند. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که مضامینی چون حکمرانی الکترونیک؛ سلامت اداری یکپارچه؛ خدمات عمومی سالم؛ اعتماد عمومی پایدار و شاخص‌های مرتبط با آنها، نقش مهمی در شکل‌دهی حکمرانی هوشمند در راستای تحقق مشارکت و همکاری مؤثر شهروندان





ایفا می‌کنند. این نتیجه می‌تواند به‌عنوان سازوکاری تأثیرگذار و چندسطحی؛ به‌طور منطقی در ساختار حکومت جریان یابد و چشم‌انداز حکمرانی سالم<sup>۱</sup> و مشارکت شهروندان را تداعی و دست‌یافتنی نماید. حکومت‌ها با عطف به چنین جنبه‌هایی می‌توانند زمینه و بستر لازم برای همکاری و مشارکت شهروندان را ایجاد نمایند. همچنین، نتایج پژوهش حاضر بینش‌هایی را برای سیاست‌گذاری و مباحث متعاقب آن ارائه می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد که مقامات حکومتی باید نسبت به ایجاد محیط نهادی فراگیر و هوشمند اقدام نمایند. همچنین، با توسل به زیرساخت‌ها و امکانات به‌روز، سیاست‌ها و فعالیت‌های مؤثرتری را تدوین و اجرا نمایند. این طرح یا راهبرد می‌تواند از ایجاد یا استفاده از مدل‌های توهم‌آمیز و غیرواقعی جلوگیری نماید. سنگ‌بنای مفهوم حکمرانی هوشمند، مشارکت عامه است و روش‌های مشارکتی مطلوب می‌توانند ارتباطات قوی و مبتکرانه‌ای را برای ایجاد انگیزه در شهروندان برای مشارکت دو همکاری فراهم سازند. حکمرانی هوشمند می‌تواند تعیین کند که ایجاد ارزش عمومی می‌تواند محیطی مساعد و مطلوب برای مشارکت و همکاری بیشتر شهروندان را ایجاد کند. از همین‌رو می‌توان نتیجه گرفت که حکمرانی هوشمند در صورتی می‌تواند در راستای مشارکت و همکاری شهروندان مؤثر باشد که ضمن نظریه‌های وضعیت و شرایط کشور، به سایر ظرفیت‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشد. مطابق با نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردند.

- مطابق با مضمون اول «حکمرانی الکترونیک» پیشنهاد می‌شود تا سازمان‌ها و نهادهای متولی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، ترتیباتی را اتخاذ نمایند تا ضمن تعامل و مشارکت بخش‌ها و سازمان‌های مختلف در این زمینه؛ امکان مشارکت هر چه بیشتر مردم فراهم شده تا ضمن تداعی مردم‌سالاری الکترونیک؛ بتوان نهادها و سازمان‌ها و در مجموع، جامعه هوشمندی را به‌وجود آورد. لازم به‌ذکر است بسیاری از کشورهای پیشرفته با توجه به مفهوم حکمرانی هوشمند، شهر و جامعه هوشمند را پیاده‌سازی کرده‌اند.

- مطابق با مضمون دوم «سلامت اداری یکپارچه» پیشنهاد می‌شود تا نهادها و سازمان‌های نظارتی در حوزه مبارزه با فساد و ارتقای سلامت اداری در رابطه با ایجاد فعالیت و آزادی عمل سمن‌ها و دیده‌بان‌های مبارزه با فساد اداری قوانین و



دستورالعمل‌هایی را تدوین و اجرا نمایند تا هم دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات صورت گرفته و هم شفافیت و پاسخگویی در جامعه ایجاد شود. این مفهوم می‌تواند ضمن ارتقای اعتماد عمومی؛ انگیزه مشارکت عمومی را نیز دوچندان نماید.

مطابق با مضمون سوم «خدمات عمومی سالم» پیشنهاد می‌شود تا دولت و سازمان‌های متولی با طراحی بسترهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، خدمات عمومی قابل دسترسی را در برنامه‌های خود در نظر گیرند تا ضمن ارائه خدمات عمومی، خدمات یکپارچه‌ای را ارائه نمایند تا مشارکت عمومی همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد. پرواضح است که بدون وجود بسترهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، ارائه خدمات غیرممکن خواهد بود.

مطابق با مضمون چهارم «اعتماد عمومی پایدار» پیشنهاد می‌شود شهروندان و سایر بخش‌ها در اقدامات و برنامه‌های کشور مشارکت داده شوند تا ضمن ایجاد اعتماد عمومی، مفهوم تعامل و همکاری شکل گیرد. در مبنای نظری مقاله نیز ذکر شد که هر چقدر توجه به مشارکت عامه بیشتر باشد، اعتماد عمومی بیشتر بوده و «پایداری» جامعه نیز مسیر خوبی را در پیش خواهد گرفت.



## فهرست منابع

نصری، فرامرز و تبرزد، محمدسعید (۱۳۹۹). تأثیر پاندمی کرونا بر توسعه حکمرانی هوشمند. *حکمرانی متعالی*، ۲(۱)، ۵۷-۷۶.

- Abella, A.; Ortiz-de-Urbina-Criado, M. & De-Pablos-Heredero, C. (2017). A model for the analysis of data-driven innovation and value generation in smart cities' ecosystems. *Cities*, (64), 47-53. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.01.011>
- Ali, M. (2015). Governance and Good Governance: A Conceptual Perspective. *Dialogue (Pakistan)*, 10(1). <https://doi.org/10.5296/jpag.v9i3.15417>
- Alusi, A.; Eccles, R. G.; Edmondson, A. C. & Zuzul, T. (2011). Sustainable cities: oxymoron or the shape of the future? *Harvard Business School Organizational Behavior Unit Working Paper* (11-062), 11-062. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1726484>
- Andrews, M. & Shah, A. (2003). Citizen-centered governance: A new approach to public sector reform. *Bringing Civility in governance*, (3). <https://doi.org/290483889>
- Baccarne, B.; Mechant, P.; Schuurman, D.; Colpaert, P. & De Marez, L. (2014). Urban socio-technical innovations with and by citizens.

- Interdisciplinary Studies Journal*, 3(4), 143-156. <https://doi.org/262495630>
- Bătăgan, L. (2011). Smart cities and sustainability models. *Informatica Economică*, 15(3), 80-87. <https://doi.org/10.1109/AUTOSAFE.2018.8373309>
- Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*: OUP Oxford.
- Bingham, L. B. (2009). Collaborative governance: emerging practices and the incomplete legal framework for public and stakeholder voice. *J. Disp. Resol.*, 269. <https://doi.org/vol2009/iss2/2/>
- Breuer, J.; Walravens, N. & Ballon, P. (2014). Beyond defining the smart city. Meeting top-down and bottom-up approaches in the middle. *TeMA-Journal of Land Use, Mobility and Environment*. <https://doi.org/10.6092/1970-9870/2475>
- Camboim, G. F.; Zawislak, P. A. & Pufal, N. A. (2019). Driving elements to make cities smarter: Evidences from European projects. *Technological Forecasting and Social Change*, (142), 154-167. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.09.014>
- Capra, C. F. (2016). The Smart City and its citizens: Governance and citizen participation in Amsterdam Smart City. *International Journal of E-Planning Research (IJEPR)*, 5(1), 20-38. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-7030-1.ch063>
- Castelnovo, W.; Misuraca, G. & Savoldelli, A. (2016). Smart cities governance: The need for a holistic approach to assessing urban participatory policy making. *Social Science Computer Review*, 34(6), 724-739. <https://doi.org/10.1177/0894439315611103>
- Chourabi, H.; Nam, T.; Walker, S.; Gil-Garcia, J. R.; Mellouli, S.; Nahon, K.,... Scholl, H. J. (2012). *Understanding smart cities: An integrative framework*. Paper presented at the 2012 45th Hawaii international conference on system sciences. <https://doi.org/10.1109/HICSS.2012.615>
- da Silva, A. O. & Fernandes, R. A. S. (2020). Smart governance based on multipurpose territorial cadastre and geographic information system: An analysis of geoinformation, transparency and collaborative participation for Brazilian capitals. *Land Use Policy*, (97), 104752. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104752>
- Dahal, D. R.; Uprety, H. & Subba, P. (2002). *Good governance and decentralization in Nepal*: Citeseer. [https://www.academia.edu/2170796/Good\\_governance\\_and\\_decentralization\\_in\\_Nepal](https://www.academia.edu/2170796/Good_governance_and_decentralization_in_Nepal)
- Edwards, G. (2017). *Introduction to Public Administration*. Paper presented at the Library Press. <https://www.britannica.com/topic/public-administration>
- Farazmand, A. (2004). *Sound governance: Policy and administrative innovations*: Greenwood Publishing Group. <https://www.abc-clio.com/products/d8708c/>
- Fernandez-Anez, V.; Fernández-Güell, J. M. & Giffinger, R. (2018). Smart City implementation and discourses: An integrated conceptual model.





- The case of Vienna. *Cities*, (78), 4-16. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.12.004>
- Gil-García, J. R. & Pardo, T. A. (2005). E-government success factors: Mapping practical tools to theoretical foundations. *Government information quarterly*, 22(2), 187-216. <https://doi.org/10.1111/j.1937-8327.2002.tb00265.x>
- Gohari, S.; Ahlers, D.; F. Nielsen, B. & Junker, E. (2020). The governance approach of smart city initiatives. evidence from trondheim, bergen, and bodø. *Infrastructures*, 5(4), 31. <https://doi.org/10.3390/infrastructures5040031>
- Gundumogula, M. (2020). Importance of focus groups in qualitative research. *The International Journal of Humanities & Social Studies*, 8(11). <https://doi.org/10.24940/theijhss/2020/v8/i11/HS2011-082>
- He, G.; Boas, I.; Mol, A. P. & Lu, Y. (2017). E-participation for environmental sustainability in transitional urban China. *Sustainability Science*, 12(2), 187-202. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.108056>
- Herdianti, A.; Hapsari, P. S. & Susanto, T. D. (2019). Modelling the smart governance performance to support smart city program in Indonesia. *Procedia Computer Science*, (161), 367-377. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2019.11.135>
- Hodder, R. (2009). Political interference in the Philippine civil service. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 27(5), 766-782. <https://doi.org/10.1068/c0843b>
- Hodgson, N. (2008). *Social sustainability assessment framework*. Paper presented at the Presentation in Sustainability Assessment Symposium. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2018.09.023>
- Hollands, R. G. (2015). Critical interventions into the corporate smart city. *Cambridge journal of regions, economy and society*, 8(1), 61-77. <https://doi.org/10.1093/cjres/rsu011>
- Hood, C. (1998). *The Art of the State*. Oxford: Clarendon Press.
- Hufty, M. (2011). Governance: Exploring four approaches and their relevance to research. *Research for sustainable development: Foundations, experiences, and perspectives*, 165-183. <https://www.sciencedirect.com/topics/earth-and-planetary>
- Jiang, H.; Geertman, S. & Witte, P. (2019). Smart urban governance: An urgent symbiosis? *Information Polity*, 24(3), 245-269. <https://doi.org/10.3233/IP-190130>
- Jiang, H.; Geertman, S. & Witte, P. (2021). Smartening urban governance: An evidence-based perspective. *Regional Science Policy & Practice*, 13(3), 744-758. <https://doi.org/10.1111/rsp3.12304>
- Joshi, S.; Saxena, S. & Godbole, T. (2016). Developing smart cities: An integrated framework. *Procedia Computer Science*, (93), 902-909. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2016.07.258>
- Kang, J. & Wang, X. (2020). The Organizational Structure and Operational Logic of an Urban Smart Governance Information Platform: Discussion on the Background of Urban Governance Transformation in China.



- Complexity*, 2020, 1-16. <https://doi.org/10.1155/2020/6638958>
- Keskinen, A. & Kuosa, T. (2008). Foundation for citizen-oriented e-governance models. In *Electronic Government: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* (pp. 477-488): IGI Global. <https://doi.org/10.4018/9781591407898.ch126>
- Krueger, R. A. (2014). *Focus groups: A practical guide for applied research*. Sage publications. <https://us.sagepub.com/en-us/nam/focus-groups/book243860>
- Kummitha, R. K. R. & Crutzen, N. (2017). How do we understand smart cities? An evolutionary perspective. *Cities*, (67), 43-52. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.04.010>
- Lange, P.; Driessen, P. P.; Sauer, A.; Bornemann, B. & Burger, P. (2013). Governing towards sustainability-conceptualizing modes of governance. *Journal of environmental policy & planning*, 15(3), 403-425. <https://doi.org/10.1080/1523908X.2013.769414>
- Larson, A. M. (2012). Democratic decentralization in the forestry sector: lessons learned from Africa, Asia and Latin America. In *The politics of decentralization* (pp. 32-62): Routledge. <https://doi.org/237787535>
- Lim, C.; Kim, K.-J. & Maglio, P. P. (2018). Smart cities with big data: Reference models, challenges, and considerations. *Cities*, (82), 86-99. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.04.011>
- Lin, Y. (2018). A comparison of selected Western and Chinese smart governance: The application of ICT in governmental management, participation and collaboration. *Telecommunications policy*, 42(10), 800-809. <https://doi.org/10.1016/j.telpol.2018.07.003>
- Lin, Y.; Zhang, X. & Geertman, S. (2015). Toward smart governance and social sustainability for Chinese migrant communities. *Journal of Cleaner Production*, (107), 389-399. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.12.074>
- Liu, D. & Qi, X. (2022). Smart governance: The era requirements and realization path of the modernization of the basic government governance ability. *Procedia Computer Science*, (199), 674-680. <https://doi.org/10.3390/su12030899>
- Lombardi, P.; Giordano, S.; Farouh, H. & Yousef, W. (2012). Modelling the smart city performance. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 25(2), 137-149. <https://doi.org/10.1080/13511610.2012.660325>
- Martens, P. (2006). Sustainability: science or fiction? *Sustainability: Science, practice and policy*, 2(1), 36-41. <https://doi.org/10.1109/EMR.2007.4296430>
- Meijer, A. & Bolívar, M. P. R. (2016). Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance. *Revue Internationale des Sciences Administratives*, 82(2), 417-435. <https://doi.org/10.1177/0020852314564308>
- Morgan, D. L.; Krueger, R. A. & King, J. A. (1998). *The focus group kit, Vols. 1-6*: Sage Publications, Inc.



- Mueller, J.; Lu, H.; Chirkin, A.; Klein, B. & Schmitt, G. (2018). Citizen Design Science: A strategy for crowd-creative urban design. *Cities*, (72), 181-188. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.08.018>
- Nam, T. & Pardo, T. A. (2011). *Conceptualizing smart city with dimensions of technology, people, and institutions*. Paper presented at the Proceedings of the 12th annual international digital government research conference: digital government innovation in challenging times. <https://dl.acm.org/doi/10.1145/2037556.2037602>
- Nowell, L. S.; Norris, J. M.; White, D. E. & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International journal of qualitative methods*, 16(1), <https://doi.org/1609406917733847>.
- Nyaranga, M. S.; Hao, C. & Hongo, D. O. (2021). The Role of Public Participation in Governance towards Achieving Sustainable Development. Part 1. *RUDN Journal of Public Administration*, 8(4), 395-404. <https://doi.org/10.22363/2312-8313-2021-8-4-395-404>
- O. Nyumba, T.; Wilson, K.; Derrick, C. J. & Mukherjee, N. (2018). The use of focus group discussion methodology: Insights from two decades of application in conservation. *Methods in Ecology and evolution*, 9(1), 20-32. <https://doi.org/10.1111/2041-210X.12860>
- Ojo, A.; Dzhusupova, Z. & Curry, E. (2016). Exploring the nature of the smart cities research landscape. *Smarter as the new urban agenda: A comprehensive view of the 21st century city*, 23-47. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-17620-8\\_2](https://doi.org/10.1007/978-3-319-17620-8_2)
- Perera, C.; Zaslavsky, A.; Christen, P. & Georgakopoulos, D. (2014). Sensing as a service model for smart cities supported by internet of things. *Transactions on emerging telecommunications technologies*, 25(1), 81-93. <https://doi.org/10.1002/ett.2704>
- Quick, K. S. & Bryson, J. M. (2022). Public participation. In *Handbook on theories of governance* (pp. 158-168): Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/282733927>
- Rosenau, J. N. (2009). *Governance in the Twenty-first Century*. Paper presented at the Palgrave Advances in Global Governance, Palgrave Macmillan, London. <https://www.jstor.org/stable/27800099>
- Setyadiharja, R.; Kurniasih, D.; Nursnaeny, P. S. & Nengsih, N. S. (2017). *Good governance vs Sound governance: A comparative theoretical analysis*. Paper presented at the International Conference on Democracy, Accountability and Governance (ICODAG 2017). <https://doi.org/10.2991/icodag-17.2017.19>
- Singh, D.; Ansari, N. A. & Singh, S. (2009). Good Governance & Implementation in Era of Globalization. *The Indian Journal of Political Science*, 1109-1120. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190845049.003.0002>
- Stephenson, L. A.; Gergel, T.; Keene, A. R.; Rifkin, L. & Owen, G. (2020). The PACT advance decision-making template: preparing for Mental Health Act reforms with co-production, focus groups and consultation. *International journal of law and psychiatry*, (71), 101563.



<https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2020.101563>

- Tomor, Z.; Przybilowicz, E. & Leleux, C. (2021). Smart governance in institutional context: An in-depth analysis of Glasgow, Utrecht, and Curitiba. *Cities*, (114), 103195. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103195>
- Torfig, J.; Peters, B. G.; Pierre, J. & Sørensen, E. (2012). *Interactive governance: Advancing the paradigm*: oxford university Press on demand. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199596751.001.0001>
- Van Winden, W. (2008). Urban governance in the knowledge-based economy: Challenges for different city types. *Innovation*, 10(2-3), 197-210. <https://doi.org/10.5172/impp.453.10.2-3.197>
- Viale Pereira, G.; Cunha, M. A.; Lampoltshammer, T. J.; Parycek, P. & Testa, M. G. (2017). Increasing collaboration and participation in smart city governance: A cross-case analysis of smart city initiatives. *Information Technology for Development*, 23(3), 526-553. <https://doi.org/10.1109/HICSS.2016.370>
- Webb, J.; Hawkey, D. & Tingey, M. (2016). Governing cities for sustainable energy: The UK case. *Cities*, (54), 28-35. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.10.014>
- Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third world quarterly*, 21(5), 795-814. <https://doi.org/10.1080/713701075>
- Wilson, A.; Tewdwr-Jones, M. & Comber, R. (2019). Urban planning, public participation and digital technology: App development as a method of generating citizen involvement in local planning processes. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 46(2), 286-302. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2017.08.102>

## References

- Abella, A.; Ortiz-de-Urbina-Criado, M. & De-Pablos-Heredero, C. (2017). A model for the analysis of data-driven innovation and value generation in smart cities' ecosystems. *Cities*, (64), 47-53. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.01.011>
- Ali, M. (2015). Governance and Good Governance: A Conceptual Perspective. *Dialogue* (Pakistan), 10(1). <https://doi.org/10.5296/jpag.v9i3.15417>
- Alusi, A.; Eccles, R. G.; Edmondson, A. C. & Zuzul, T. (2011). Sustainable cities: oxymoron or the shape of the future? Harvard Business School Organizational Behavior Unit Working Paper (11-062), 11-062. <https://doi.org/10.2139/ssrn.1726484>
- Andrews, M. & Shah, A. (2003). Citizen-centered governance: A new approach to public sector reform. *Bringing Civility in governance*, (3). <https://doi.org/290483889>
- Baccarne, B.; Mechant, P.; Schuurman, D.; Colpaert, P. & De Marez, L. (2014). Urban socio-technical innovations with and by citizens. *Interdisciplinary Studies Journal*, 3(4), 143-156. <https://doi.org/>

- 262495630
- Bătăgan, L. (2011). Smart cities and sustainability models. *Informatica Economică*, 15(3), 80-87. <https://doi.org/10.1109/AUTOSAFE.2018.8373309>
- Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*: OUP Oxford.
- Bingham, L. B. (2009). Collaborative governance: emerging practices and the incomplete legal framework for public and stakeholder voice. *J. Disp. Resol.*, 269. <https://doi.org/vol2009/iss2/2/>
- Breuer, J.; Walravens, N. & Ballon, P. (2014). Beyond defining the smart city. Meeting top-down and bottom-up approaches in the middle. *TeMA-Journal of Land Use, Mobility and Environment*. <https://doi.org/10.6092/1970-9870/2475>
- Camboim, G. F.; Zawislak, P. A. & Pufal, N. A. (2019). Driving elements to make cities smarter: Evidences from European projects. *Technological Forecasting and Social Change*, (142), 154-167. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2018.09.014>
- Capra, C. F. (2016). The Smart City and its citizens: Governance and citizen participation in Amsterdam Smart City. *International Journal of E-Planning Research (IJEPR)*, 5(1), 20-38. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-7030-1.ch063>
- Castelnovo, W.; Misuraca, G. & Savoldelli, A. (2016). Smart cities governance: The need for a holistic approach to assessing urban participatory policy making. *Social Science Computer Review*, 34(6), 724-739. <https://doi.org/10.1177/0894439315611103>
- Chourabi, H.; Nam, T.; Walker, S.; Gil-Garcia, J. R.; Mellouli, S.; Nahon, K.,... Scholl, H. J. (2012). Understanding smart cities: An integrative framework. Paper presented at the 2012 45th Hawaii international conference on system sciences. <https://doi.org/10.1109/HICSS.2012.615>
- da Silva, A. O. & Fernandes, R. A. S. (2020). Smart governance based on multipurpose territorial cadastre and geographic information system: An analysis of geoinformation, transparency and collaborative participation for Brazilian capitals. *Land Use Policy*, (97), 104752. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104752>
- Dahal, D. R.; Uprety, H. & Subba, P. (2002). Good governance and decentralization in Nepal: Citeseer. [https://www.academia.edu/2170796/Good\\_governance\\_and\\_decentralization\\_in\\_Nepal](https://www.academia.edu/2170796/Good_governance_and_decentralization_in_Nepal)
- Edwards, G. (2017). Introduction to Public Administration. Paper presented at the Library Press. <https://www.britannica.com/topic/public-administration>
- Farazmand, A. (2004). *Sound governance: Policy and administrative innovations*: Greenwood Publishing Group. <https://www.abc-clio.com/products/d8708c/>
- Fernandez-Anez, V.; Fernández-Güell, J. M. & Giffinger, R. (2018). Smart City implementation and discourses: An integrated conceptual model. The case of Vienna. *Cities*, (78), 4-16. <https://doi.org/10.1016/>





j.cities.2017.12.004

- Gil-García, J. R. & Pardo, T. A. (2005). E-government success factors: Mapping practical tools to theoretical foundations. *Government information quarterly*, 22(2), 187-216. <https://doi.org/10.1111/j.1937-8327.2002.tb00265.x>
- Gohari, S.; Ahlers, D.; F. Nielsen, B. & Junker, E. (2020). The governance approach of smart city initiatives. evidence from trondheim, bergen, and bodø. *Infrastructures*, 5(4), 31. <https://doi.org/10.3390/infrastructures5040031>
- Gundumogula, M. (2020). Importance of focus groups in qualitative research. *The International Journal of Humanities & Social Studies*, 8(11). <https://doi.org/10.24940/theijhss/2020/v8/i11/HS2011-082>
- He, G.; Boas, I.; Mol, A. P. & Lu, Y. (2017). E-participation for environmental sustainability in transitional urban China. *Sustainability Science*, 12(2), 187-202. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2021.108056>
- Herdiyanti, A.; Hapsari, P. S. & Susanto, T. D. (2019). Modelling the smart governance performance to support smart city program in Indonesia. *Procedia Computer Science*, (161), 367-377. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2019.11.135>
- Hodder, R. (2009). Political interference in the Philippine civil service. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 27(5), 766-782. <https://doi.org/10.1068/c0843b>
- Hodgson, N. (2008). Social sustainability assessment framework. Paper presented at the Presentation in Sustainability Assessment Symposium. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2018.09.023>
- Hollands, R. G. (2015). Critical interventions into the corporate smart city. *Cambridge journal of regions, economy and society*, 8(1), 61-77. <https://doi.org/10.1093/cjres/rsu011>
- Hood, C. (1998). *The Art of the State*. Oxford: Clarendon Press.
- Hufty, M. (2011). Governance: Exploring four approaches and their relevance to research. *Research for sustainable development: Foundations, experiences, and perspectives*, 165-183. <https://www.sciencedirect.com/topics/earth-and-planetary>
- Jiang, H.; Geertman, S. & Witte, P. (2019). Smart urban governance: An urgent symbiosis? *Information Polity*, 24(3), 245-269. <https://doi.org/10.3233/IP-190130>
- Jiang, H.; Geertman, S. & Witte, P. (2021). Smartening urban governance: An evidence-based perspective. *Regional Science Policy & Practice*, 13(3), 744-758. <https://doi.org/10.1111/rsp3.12304>
- Joshi, S.; Saxena, S. & Godbole, T. (2016). Developing smart cities: An integrated framework. *Procedia Computer Science*, (93), 902-909. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2016.07.258>
- Kang, J. & Wang, X. (2020). The Organizational Structure and Operational Logic of an Urban Smart Governance Information Platform: Discussion on the Background of Urban Governance Transformation in China. *Complexity*, 2020, 1-16. <https://doi.org/10.1155/2020/6638958>







- Keskinen, A. & Kuosa, T. (2008). Foundation for citizen-oriented e-governance models. In *Electronic Government: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* (pp. 477-488): IGI Global. <https://doi.org/10.4018/9781591407898.ch126>
- Krueger, R. A. (2014). *Focus groups: A practical guide for applied research*. Sage publications. <https://us.sagepub.com/en-us/nam/focus-groups/book243860>
- Kummitha, R. K. R. & Crutzen, N. (2017). How do we understand smart cities? An evolutionary perspective. *Cities*, (67), 43-52. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.04.010>
- Lange, P.; Driessen, P. P.; Sauer, A.; Bornemann, B. & Burger, P. (2013). Governing towards sustainability-conceptualizing modes of governance. *Journal of environmental policy & planning*, 15(3), 403-425. <https://doi.org/10.1080/1523908X.2013.769414>
- Larson, A. M. (2012). Democratic decentralization in the forestry sector: lessons learned from Africa, Asia and Latin America. In *The politics of decentralization* (pp. 32-62): Routledge. <https://doi.org/237787535>
- Lim, C.; Kim, K.-J. & Maglio, P. P. (2018). Smart cities with big data: Reference models, challenges, and considerations. *Cities*, (82), 86-99. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.04.011>
- Lin, Y. (2018). A comparison of selected Western and Chinese smart governance: The application of ICT in governmental management, participation and collaboration. *Telecommunications policy*, 42(10), 800-809. <https://doi.org/10.1016/j.telpol.2018.07.003>
- Lin, Y.; Zhang, X. & Geertman, S. (2015). Toward smart governance and social sustainability for Chinese migrant communities. *Journal of Cleaner Production*, (107), 389-399. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2014.12.074>
- Liu, D. & Qi, X. (2022). Smart governance: The era requirements and realization path of the modernization of the basic government governance ability. *Procedia Computer Science*, (199), 674-680. <https://doi.org/10.3390/su12030899>
- Lombardi, P.; Giordano, S.; Farouh, H. & Yousef, W. (2012). Modelling the smart city performance. *Innovation: The European Journal of Social Science Research*, 25(2), 137-149. <https://doi.org/10.1080/13511610.2012.660325>
- Martens, P. (2006). Sustainability: science or fiction? *Sustainability: Science, practice and policy*, 2(1), 36-41. <https://doi.org/10.1109/EMR.2007.4296430>
- Meijer, A. & Bolívar, M. P. R. (2016). Governing the smart city: a review of the literature on smart urban governance. *Revue Internationale des Sciences Administratives*, 82(2), 417-435. <https://doi.org/10.1177/0020852314564308>
- Morgan, D. L.; Krueger, R. A. & King, J. A. (1998). *The focus group kit*, Vols. 1-6: Sage Publications, Inc.
- Mueller, J.; Lu, H.; Chirkin, A.; Klein, B. & Schmitt, G. (2018). *Citizen*



- Design Science: A strategy for crowd-creative urban design. *Cities*, (72), 181-188. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.08.018>
- Nam, T. & Pardo, T. A. (2011). Conceptualizing smart city with dimensions of technology, people, and institutions. Paper presented at the Proceedings of the 12th annual international digital government research conference: digital government innovation in challenging times. <https://dl.acm.org/doi/10.1145/2037556.2037602>
- Nasri, S. & Tabazad M, S. (2019). The impact of the Corona pandemic on the development of smart governance. *Transcendent Governance Quarterly*, 2(1), 57-76. (In Persian)
- Nowell, L. S.; Norris, J. M.; White, D. E. & Moules, N. J. (2017). Thematic analysis: Striving to meet the trustworthiness criteria. *International journal of qualitative methods*, 16(1), <https://doi.org/1609406917733847>.
- Nyaranga, M. S.; Hao, C. & Hongo, D. O. (2021). The Role of Public Participation in Governance towards Achieving Sustainable Development. Part 1. *RUDN Journal of Public Administration*, 8(4), 395-404. <https://doi.org/10.22363/2312-8313-2021-8-4-395-404>
- O. Nyumba, T.; Wilson, K.; Derrick, C. J. & Mukherjee, N. (2018). The use of focus group discussion methodology: Insights from two decades of application in conservation. *Methods in Ecology and evolution*, 9(1), 20-32. <https://doi.org/10.1111/2041-210X.12860>
- Ojo, A.; Dzhusupova, Z. & Curry, E. (2016). Exploring the nature of the smart cities research landscape. *Smarter as the new urban agenda: A comprehensive view of the 21st century city*, 23-47. [https://doi.org/10.1007/978-3-319-17620-8\\_2](https://doi.org/10.1007/978-3-319-17620-8_2)
- Perera, C.; Zaslavsky, A.; Christen, P. & Georgakopoulos, D. (2014). Sensing as a service model for smart cities supported by internet of things. *Transactions on emerging telecommunications technologies*, 25(1), 81-93. <https://doi.org/10.1002/ett.2704>
- Quick, K. S. & Bryson, J. M. (2022). Public participation. In *Handbook on theories of governance* (pp. 158-168): Edward Elgar Publishing. <https://doi.org/282733927>
- Rosenau, J. N. (2009). *Governance in the Twenty-first Century*. Paper presented at the Palgrave Advances in Global Governance, Palgrave Macmillan, London. <https://www.jstor.org/stable/27800099>
- Setyadiharja, R.; Kurniasih, D.; Nursnaeny, P. S. & Nengsih, N. S. (2017). Good governance vs Sound governance: A comparative theoretical analysis. Paper presented at the International Conference on Democracy, Accountability and Governance (ICODAG 2017). <https://doi.org/10.2991/icodag-17.2017.19>
- Singh, D.; Ansari, N. A. & Singh, S. (2009). Good Governance & Implementation in Era of Globalization. *The Indian Journal of Political Science*, 1109-1120. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190845049.003.0002>
- Stephenson, L. A.; Gergel, T.; Keene, A. R.; Rifkin, L. & Owen, G. (2020). The PACT advance decision-making template: preparing for





- Mental Health Act reforms with co-production, focus groups and consultation. *International journal of law and psychiatry*, (71), 101563. <https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2020.101563>
- Tomor, Z.; Przybilowicz, E. & Leleux, C. (2021). Smart governance in institutional context: An in-depth analysis of Glasgow, Utrecht, and Curitiba. *Cities*, (114), 103195. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2021.103195>
- Torfin, J.; Peters, B. G.; Pierre, J. & Sørensen, E. (2012). *Interactive governance: Advancing the paradigm*: oxford university Press on demand. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199596751.001.0001>
- Van Winden, W. (2008). Urban governance in the knowledge-based economy: Challenges for different city types. *Innovation*, 10(2-3), 197-210. <https://doi.org/10.5172/impp.453.10.2-3.197>
- Viale Pereira, G.; Cunha, M. A.; Lampoltshammer, T. J.; Parycek, P. & Testa, M. G. (2017). Increasing collaboration and participation in smart city governance: A cross-case analysis of smart city initiatives. *Information Technology for Development*, 23(3), 526-553. <https://doi.org/10.1109/HICSS.2016.370>
- Webb, J.; Hawkey, D. & Tingey, M. (2016). Governing cities for sustainable energy: The UK case. *Cities*, (54), 28-35. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.10.014>
- Weiss, T. G. (2000). Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenges. *Third world quarterly*, 21(5), 795-814. <https://doi.org/10.1080/713701075>
- Wilson, A.; Tewdwr-Jones, M. & Comber, R. (2019). Urban planning, public participation and digital technology: App development as a method of generating citizen involvement in local planning processes. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 46(2), 286-302. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2017.08.102>

